

بازی تقدیر

هوشنگ پیرنظر



انتشارات تهران

هشدار

این داستان آینه تمام‌نمایی است از زندگی پاره‌ای از مردم دیروز ما؛ با همه بدیها و خوبیها، زشتیها و زیباییها، دوستیها و دشمنیها، تعصبا و کینه‌توزیها، و دلدادگیهای ژرف.

به سخن دیگر، برای خواننده ژرف‌نگر نمونه‌ای است از شیوه زندگی رسته‌ای از مردم در دو نسل گذشته که چگونه می‌زیسته‌اند، چه روابطی با یکدیگر داشته‌اند، چه اندیشه‌هایی در سر می‌پرورانده‌اند، چه بستگیهایی پیدا کرده‌اند، با چه آرمانهایی دلخوش بوده‌اند، چه رنجهایی کشیده‌اند و چه خوشیها که کرده‌اند، چه پیروزیهایی به دست آورده و چه شکستهایی خورده‌اند.

بیشترین ما، کسانی را که در آن دوره می‌زیسته‌اند دیده و می‌شناسیم و چه بسا کودکان ما که آن دوره را ندیده‌اند، امروز مانند آنان را در میان خود می‌بینند و می‌شناسند و به شیوه زندگی‌شان آگاه‌اند که برخی از آنان با عقل سلیم زندگی می‌کنند، پاره‌ای با دروغ و دغلبازی و ستمگری و آزمندی و زشتیهای دیگر که از نظر شئون اخلاقی و دین و آیینهای ملی، ناپسند یا حتی گناه شمرده می‌شود، روزگار می‌گذرانند.

نویسنده در این داستان کوشیده است در نشان دادن هیچ یک از صحنه‌های زندگی مردم زمان «خودسانسوری» به کار نبرد، و امیدوار است که خوانندگان این آزادی سخن را بر روی خرده نگیرند و نکوهیده نشمرند؛ هرچند ممکن است در پاره‌ای از جاهای داستان با گفتار و کردار و پندار و رفتارهایی برخورد کنند که آنها را نپسندند یا از زمره منکرات بدانند و گمان کنند که جوانان را به کژراهه خواهد انداخت.

روشن‌تر بگویم، همه می‌دانیم که مردم آن زمان، از هر رده یا رسته، نه همه، بلکه گروهی — از دهقان به شهر آمده گرفته تا کارگر ماهر و نیمه‌ماهر، بازرگان خرد و کلان و کارمند دولت و بخش آزاد — مشروبات الکلی می‌نوشیدند و مواد مخدر مصرف می‌کردند و کتمان آن خود را فریب دادن است.

من هم در این داستان همه را نوشته‌ام و در آنجا که نیازی بوده است پیامی بدهم و لازم دانسته‌ام، صحنه‌ای را تصویر کنم، از به کار گرفتن قلم در این زمینه خودداری نکرده‌ام. اگر می‌کردم، نمی‌توانستم آن را آینه تمام‌نمای زندگی سده گذشته بخوانم.

هوشنگ پیرنظر